رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره ۸، شماره پیاپی ۱۰۱، آبان ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(8), 2024

رابطه بین سبک فرزندپروری و تاب‌آوری با میانجی‌گری احساس تنهایی در جوانان در غربت ایرانی

The relationship between parenting style and resilience with the mediation of loneliness in young people in Iranian sojourn

شهین ایرانی نژاد
دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
دکتر مریم نیکوی (نویسنده مسئول)
استاد تمام، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
دکتر غلامرضا شریفی راد
استاد تمام، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

Shahin Iraninejad
Ph.D Student, Department of Consultation, Qom branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Dr. Maryam Nikooy *
Professor, Faculty of Health, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.
Maryamnikooy@yahoo.com
Dr. Gholamreza Sharifirad
Professor, Faculty of Health, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری و تاب‌آوری با میانجی‌گری احساس تنهایی در جوانان در غربت ایرانی بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری در این پژوهش را کلیه جوانان ایرانی تشکیل دادند که در سال ۱۴۰۲ به دلیل مهاجرت، تحصیل، کار و غیره در غربت به سر می‌بردند. بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۰ جوان ایرانی در غربت انتخاب شدند و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار این جوانان قرار گرفت و تکمیل و جمع‌آوری گردید. ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه‌های تاب‌آوری (CD-RISC، کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳)، سبک‌های فرزندپروری (PSQ، شیفر، ۱۹۶۵) و احساس تنهایی (UCLQ، راسل، ۱۹۹۳) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود. سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد (P=۰/۰۰۸)، کنترل-آزادی (P<۰/۰۰۱) و احساس تنهایی (P<۰/۰۰۱) بر تاب‌آوری جوانان ایرانی اثر منفی و معناداری داشت. همچنین سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد و کنترل-آزادی بر احساس تنهایی جوانان ایرانی اثر مثبت و معناداری داشتند (P<۰/۰۰۱). با ورود متغیر احساس تنهایی به مدل اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد و کنترل-آزادی بر تاب‌آوری به صورت منفی و معنادار شد (P<۰/۰۰۱). نتایج این پژوهش اهمیت رفتارهای فرزندپروری نامناسب والدین را در شکل‌گیری یا افزایش احساس تنهایی و در نهایت تاب‌آوری پایین جوانان ایرانی در غربت نشان داد.

واژه‌های کلیدی: *احساس تنهایی، سبک‌های فرزندپروری، تاب‌آوری.*

Abstract

The present study investigated the relationship between parenting style and resilience with the mediation of loneliness among young people in an Iranian sojourn. The descriptive-correlation research method was path analysis. The statistical population in this research comprised all young Iranians who lived abroad in 2023 due to migration, education, work, etc. Therefore, using the available sampling method, 200 Iranian youths in exile were selected and then the questionnaires were given to these youths and completed and collected. The measurement tools in this research were resilience questionnaires (CD-RISC, Connor and Davidson, 2003), parenting styles (PSQ, Sheffer, 1965), and loneliness (UCLQ, Russell, 1993). Pearson correlation tests and path analysis were used to analyze the data. The findings showed that the research model was a good fit. Parenting styles of affection-rejection (P=0.008), control-freedom (P<0.001), and loneliness (P<0.001) had a negative and significant effect on the resilience of Iranian youth. Also, parenting styles of affection-rejection and control-freedom had a positive and significant impact on the loneliness of Iranian youth (P<0.001). By entering the variable of loneliness into the model, the indirect effect of parenting styles of affection-rejection and control-freedom on resilience became negative and significant (P<0.001). The results of this research showed the importance of inappropriate parenting behaviors of parents in forming or increasing the feeling of loneliness and ultimately the low resilience of Iranian youth in exile.

Keywords: *Loneliness, Parenting Styles, Resilience.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مرداد ۱۴۰۳** | **پذیرش: شهریور ۱۴۰۳** | **ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۳**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

مقدمه

مهاجرت[1] به عنوان یک جریان مستمر و حتی در مواردی اجتناب‌ناپذیر، امروزه در بسیاری از جوامع و معمولا بر اساس خواست افراد به خصوص جوانان صورت می‌گیرد. به طوری که مهاجرت جوانان موجب کاهش رشد جمعیت و کاهش نیروی جوان، افزایش نسبت افراد سالمند و در نتیجه افزایش نسبت وابستگی در مبدأ می‌شود (مورالس[2] و همکاران، ۲۰۲۲). جوانان مهاجر بیشتر از بزرگسالان با موانعی مثل عدم تسلط بر برقراری ارتباط با دیگران، احساس تبعیض، شوک فرهنگی ناشی از مهاجرت مواجه می‌شوند و پایین آمدن عزت و تجربه احساس‌های ناخوشایند و ناکارآمد ممکن است بر روی سلامت روان آنان تاثیر بگذارد و با ایجاد استرس بالاتر، تاب‌آوری[3] این جوانان را نیز دچار مشکل کند (کاپادیا[4]، ۲۰۲۳). تاب‌آوری به جوانان در غربت در برخورد و سازگاری با موقعیت‌های دشوار و تنش‌آور زندگی کمک کرده و آن‌ها را در برابر اختلالات آسیب‌شناختی و دشواری‌های زندگی در امان نگاه می‌دارد (زاهدی و سلیمانی، ۱۴۰۲). در ضمن، تاب‌آوری بیشتر از آن که یک بهبود ساده از آسیب و مصیبت باشد رشد یا سازگاری مثبت به دنبال دوره‌ای از برهم خوردن تعادل حیاتی است (بلا-اوساه و اوناگا[5]، ۲۰۲۳).

ولی اثرات مهاجرت بر جوانان یکسان نبوده و ممکن است متغیرهای گوناگون همچون تحصیلات، شغل، میزان درآمد، سن، میزان تفاوت فرهنگی و اجتماعی با کشور جدید، کیفیت روابط بین‌فردی در گذشته و مشکلات روانشناختی به میزان‌های متفاوت بر آن‌ها و میزان تحمل و تاب‌آوری آن‌ها تأثیر بگذارند (پنینکس[6]، ۲۰۱۹). در واقع عوامل مختلفی می‌توانند به تاب‌آوری پایین و بروز، تقویت و تثبیت آسیب‌های روانشناختی در جوان در غربت بینجامد و یکی از این عوامل سبک‌های فرزندپروری[7] می‌باشد. سبک‌های فرزندپروری یکی از رفتارهای والدین است که از طریق تأثیر بر عزت نفس، استقلال، خودکنترلی و راه‌های مقابله با تنیدگی جوانان، سایر رفتارهای آنان، از جمله عملکرد تحصیلی، رفتارهای سازش‌نایافته و مشکل‌آفرین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پیش قدم و ابراهیمی، ۱۴۰۱). بنابراین کیفیت رابطه والدین با فرزندان با پیامدهای مثبت و منفی در دوران جوانی همراه است که شامل شایستگی اجتماعی، ارزش‌های مثبت، اعتماد به نفس و توانایی تاب‌آوری در شرایط سخت می‌شود (پوا[8] و همکاران، ۲۰۲۰). بسیاری از جوانان در غربت در محیط‌های پرخطر و شرایطی زندگی می‌کنند که آن‌ها را در معرض خطرات گوناگون جسمانی و روانشناختی قرار می‌دهد و با داشتن عوامل محافظتی مثل تاب‌آوری می‌توانند بر این مشکلات غلبه کنند و آسیب‌ناپذیر شوند (مورالس و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین سبک‌های فرزندپروری، هم دارای نقش حمایتی و هم غیرحمایتی هستند که پیامد به کارگیری هر یک از آن‌ها بر تحول کودک متفاوت است. به طوری که حالت‌های هیجانی منفی در والدین به طور مستقیم بر ظرفیت آن‌ها برای تربیت و ارتباط با فرزندانشان تاثیر می‌گذارد و در نهایت منجر به ایجاد مشکلات سازگاری همچون رفتار ضداجتماعی، افسردگی، خصومت و احساس تنهایی می‌شود (وانگ[9] و همکاران، ۲۰۲۱) .

در واقع بسیاری از جوانان با دور شدن از خانواده، نیاز به ارزیابی دوباره خود نسبت به روابط گذشته با خانواده تقویت می‌شود و چنانچه در این فرآیند، احساسات ناخوشایند ناشی از تجارب دوران کودکی را تجربه کنند، خود را تنها و به دور از دیگران می‌یابند که این احساس تنهایی[10] در صورت ادامه پیدا کردن، تاب‌آوری آن‌ها را در برابر مشکلات و چالش‌های مهاجرت کاهش می‌دهد (گوریوا[11] و همکاران، ۲۰۲۰). به طوری که پاسخگو بودن والدین، برقراری روابط صمیمانه و گرم با فرزندان و حمایت مناسب می‌تواند به ایجاد رابطه متقابل با والدین و افزایش اعتماد به نفس آنان در روابط اجتماعی منجر شود و در نهایت احساس تنهایی را به طور موثری کاهش دهد (آبیتا[12] و همکاران، ۲۰۲۰). احساس تنهایی حالتی است که در آن فرد فقدان روابط با دیگران را ادارک یا تجربه می‌کند (ژانگ و دونگ[13]، ۲۰۲۲) و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر زندگی جوانان در غربت را تحت تاثیر قرار می‌دهد و برای اغلب این جوانان زیان بخش می‌باشد (گولر آکسو[14] و همکاران، ۲۰۲۲). ولی جوانان در غربتی که احساس تنهایی را تجربه نمی‌کنند، اعتماد به نفس بالاتری دارند و نسبت به دیگران و محیط

1. Migration
2. Morales
3. Resilience
4. Kapadia
5. Bella-Awusah & Onaga
6. Penninx
7. Parenting styles
8. Phua
9. Wang
10. feeling lonely
11. Gurieva
12. Abeyta
1. Zhang & Dong
2. Guler Aksu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

خوش‌بین‌تر بوده و در برابر شرایط استرس‌زای محیطی در غربت مقاومت و تاب‌آوری بالاتری را از خود نشان می‌دهند (آبیتا[1] و همکاران، ۲۰۲۰). در صورتی که اگر جوانان در غربت دارای پایین‌ترین سطح تاب‌آوری باشند به مقدار کمی خودشان را با موقعیت‌های جدید وفق می‌دهند و به کندی از موقعیت‌های فشارزا به حالت طبیعی بهبود می‌یابند (زاهدی و سلیمانی، ۱۴۰۲). بدین ترتیب، مسئله اصلی پژوهش حاضر را می توان این گونه بیان کرد که نظام تربیتی خانواده و روش‌های فرزندپروری یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت کودک است و فرزندپروری حساس و پاسخگو باعث رشد مهارت‌های خودگردان فرزندان می‌شود و از طرفی ناتوانی والدین در هماهنگ کردن رفتارهایشان با نیازهای کودکان، می‌تواند بروز رفتارهای بازداری‌زدایی و کنترل‌نشده، آسیب به فرایندهای روانشناختی، شناختی و رفتاری فرزندان و در نهایت ناتوانی در کنترل رخدادهای محیط جدید را به همراه داشته باشد.

در برخی از مطالعات پیشین رابطه متغیرهای پژوهش با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله پانت[2] (۲۰۲۳)، کویی[3] و همکاران (۲۰۲۲) رابطه بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده و تاب‌آوری را مورد تایید قرار دادند. همچنین مطالعات جعفریان یسار و همکاران (۱۴۰۱)، تقوایی یزدی (۱۳۹۹) رابطه بین سبک فرزندپروری با احساس تنهایی را تایید کردند. لذا با توجه به این که تحصیل و زندگی در محیطی خارج از محیط اولیه زندگی برای جوانان غیربومی همواره با دشواری‌های زیادی است و در صورتی که فرد تاب‌آوری پایینی داشته باشد، نمی‌تواند خود را با این شرایط جدید تطبیق دهد و نگرانی‌های بالینی بسیاری را در مورد سلامت جسمی، اجتماعی و روانی به وجود می‌آورد، ولی تاکنون در پژوهشی به بررسی پیش‌بینی تاب‌آوری جوانان در غربت بر اساس سبک فرزندپروری با میانجی‌گری احساس تنهایی پرداخته نشده است بر این اساس ضروری است عوامل مختلف مرتبط با تاب‌آوری جوانان در غربت به خصوص نقش والدین و روابط در کودکی فرد که از مهمترین عوامل موثر در بیشتر مشکلات روانشناختی هستند، بررسی و اقدامات مقتضی برای حل مشکلات این جوانان صورت گیرد تا از پیشروی مشکلات و تبدیل آن‌ها به اختلال‌های بالینی جلوگیری گردد. در نهایت نتایج این پژوهش می‌تواند به مسئولین بهداشت و درمان و مراکز خدمات مشاوره و روانشناختی برای کاهش هزینه‌های درمانی جوانان در غربت از جمله درمان‌های روانشناختی، پیشگیری از ابتلا به اختلال‌های روانشناختی پیچیده و ارتقای سطح سلامت جوانان در غربت و کل جامعه کمک نماید. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری و تاب‌آوری با میانجی‌گری احساس تنهایی در جوانان در غربت ایرانی بود.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه جوانان ایرانی بود که در سال ۱۴۰۲ به دلیل مهاجرت، تحصیل، کار و غیره در غربت به سر می‌بردند. حداقل حجم نمونه مدل تحلیل مسیر بر اساس تعداد سازه‌های اصلی یا متغیرهای پنهان تعیین می‌شود. با وجود آن که در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل مسیر توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ می‌باشد. همچنین برای سازگاری با الگوی تحلیل مسیر تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر متغیرهای مشاهده شده باشد. بنابراین در پژوهش حاضر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۰ جوان ایرانی در غربت انتخاب شد. به این صورت که ابتدا مدرسه رستم در لندن مخصوص دانش‌آموزان ایرانی و مرکز مشاوره پناهندگان ایرانی در شمال لندن انتخاب شده و پس از هماهنگی با مسئولین این مراکز و با مراجعه به اطلاعات دانش‌آموزان یا پناهندگان، از ۲۰۰ نفر از جوانان این خانواده‌ها (۲۰۰ جوان ایرانی) برای همکاری با پژوهشگر دعوت گردید و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار این گروه جوانان ایرانی قرار گرفت و تکمیل و جمع‌آوری گردید. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: رضایت آگاهانه از شرکت در پژوهش، سن ۱۶-۲۰ سال و زندگی در غربت به مدت حداقل ۶ ماه. همچنین ملاک خروج، مخدوش و ناقص بودن پرسشنامه‌ها بود. در این پژوهش، برای جلوگیری از محافظه‌کاری پاسخگویان در پاسخ‌دهی، پرسشنامه‌ها بدون ذکر نام و نام خانوادگی تنظیم شد، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش فقط در راستای اهداف پژوهش استفاده می‌شود و موافقت و تمایل شخصی برای شرکت در پژوهش در نظر گرفته شد. در نهایت به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد.

3. Abeyta
4. Pant
5. Qiu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

ابزار سنجش

پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون[1] (CD-RISC): این پرسشنامه در سال ۲۰۰۳ توسط کانر و دیویدسون جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید، تهیه شد. این پرسشنامه شامل ۲۵ سوال است و با استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از صفر تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره تاب‌آوری آزمودنی در این پرسشنامه، صفر و حداکثر نمره ۱۰۰ است. نتایج تحلیل عاملی نشان داده است که این پرسشنامه دارای ۵ عامل: تصور شایستگی فردی[2] (۲۵- ۲۴- ۲۳- ۱۷- ۱۶- ۱۲- ۱۱- ۱۰)، اعتماد به غرایز فردی[3] (۲۰- ۱۹- ۱۸- ۱۵- ۱۴- ۷- ۶)، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن[4] (۸- ۵- ۴- ۲- ۱)، کنترل[5] (۲۲- ۲۱- ۱۳) و تأثیرات معنوی[6] (۹- ۳) می‌باشد. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) شاخص کلی روایی محتوای را ۰/۸۳ و نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۱ به دست آوردند و ضریب آلفای کرونباخ نمره کل تاب‌آوری و مولفه‌های تصور شایستگی فردی، اعتماد به غرایز فردی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل و تاثیرات معنوی را به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۳، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۶ و ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در یک فاصله ۴ هفته‌ای برای نمره کل تاب‌آوری ۰/۸۷ بوده است. این پرسشنامه در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) بررسی شده است و برای تعیین روایی این پرسشنامه نخست همبستگی هر گویه با نمره کل محاسبه و سپس از روش تحلیل عاملی بهره گرفته شد. محاسبه همبستگی هر نمره با نمره کل ضریب‌های بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ را نشان داد و تحلیل عاملی نیز وجود ۵ عامل را تایید کرد. در ضمن، در مطالعه محمدی (۱۳۸۴) پایایی نمره کل این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شد. در پژوهش حاضر، پایایی نمره کل و مولفه‌های تصور شایستگی فردی، اعتماد به غرایز فردی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل و تأثیرات معنوی به ترتیب با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸، ۰/۷۷، ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۸۲و ۰/۷۵به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری[7] (PSQ): پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری توسط شیفر[8] در سال ۱۹۶۵ برای بررسی رابطه با والدین طراحی شد و دارای ۷۷ گزینه مثبت و منفی است. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از ۱ تا ۵) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دو بعد را می‌سنجد که عبارتند از: کنترل-آزادی[9] (سخت‌گیری، سهل‌گیری) که به ترتیب شامل سوالات ۱ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۴۲ است که بخش اول به صورت مستقیم و بخش دوم به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و بعد سردی-گرمی[10] (محبت و طرد) که به ترتیب شامل سوالات ۴۳ تا ۶۰ و ۶۱ تا ۷۷ می‌باشد که بخش اول به صورت مستقیم و بخش دوم به صورت عکس نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ توسط شیفر (۱۹۶۵) برای بعد کنترل-آزادی ۰/۷۳ و برای بعد محبت-طرد ۰/۸۳ گزارش شده است. همچنین شاخص کلی روایی محتوای را ۰/۷۹ و نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۱ گزارش کردند. بر اساس دستورالعمل آزمون افرادی که در سبک فرزندپروری، کنترل بیشتر و محبت کمتری داشته باشند دارای سبک فرزندپروری مستبدانه بوده و افرادی که در سبک فرزندپروری، آزادی بیشتر و محبت بیشتر داشته باشند دارای سبک فرزندپروری سهل‌گیر هستند. در ایران این پرسشنامه توسط نقاشیان (۱۳۵۸) ترجمه و بررسی شد که نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۹ و ضریب پایایی برای بعد کنترل-آزادی و بعد محبت-طرد به ترتیب با روش تنصیف ۰/۸۷ و ۰/۸۴ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای بعد کنترل-آزادی ۰/۷۱ و برای بعد محبت-طرد ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه احساس تنهایی[11] (UCLQ): پرسشنامه احساس تنهایی توسط راسل[12] و همکاران در سال ۱۹۷۸ ساخته شد و در سال ۱۹۹۳ برای بار دوم توسط راسل مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این مقیاس شامل ۲۰ سوال است که ۱۱ عبارت آن مثبت و ۹ عبارت منفی می باشد. در این پرسشنامه حداقل نمره ۲۰، حداکثر نمره ۸۰ و نمره برش ۵۰ است. این پرسشنامه تک عاملی است و بر اساس طیف لیکرت چهار درجه ای (از هرگز=۱ تا همیشه=۴) نمره گذاری می شود. پایایی مقیاس به روش بازآزمایی دو ماهه توسط راسل و همکاران (۱۹۹۳)، ۰/۸۹ گزارش شده است و روایی همزمان این پرسشنامه از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه افسردگی بک انجام شد

1. Connor-Davidson Resilience Scale
2. Perception of individual competence
3. Trust individual instincts
4. Positive acceptance of change and secure relationships
5. control
6. Spiritual influences
7. Parenting Styles Questionnaire
8. Schaefer
9. dimension of control-freedom
10. dimension of love-rejection
1. Loneliness Questionnaire
2. Russell

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

که همبستگی ۰/۶۷ به دست آمد. این مقیاس توسط شکرکن و میردریکوند (۱۳۷۰) ترجمه شده و روایی محتوایی آن توسط متخصصین مورد تایید قرار گرفت. همچنین پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمده است (به نقل از مهراندیش و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر، پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

یافته ها

در این پژوهش ۲۰۰ جوان در غربت ایرانی با میانگین سنی ۲/۰۱ ± ۱۶/۵۵ سال و در طیف سنی ۱۳-۱۹ سال مورد بررسی قرار گرفت. ۴۳ نفر (۲۱/۵ ٪) از شرکت‌کنندگان زن و ۱۵۷ نفر (۷۸/۵ ٪) مرد بودند. از نظر سطح تحصیلات پدر ۱۵ نفر (۷/۵ ٪) دیپلم و زیردیپلم، ۷۸ نفر (۳۹ ٪) کارشناسی، ۱۰۷ نفر (۵۳/۵ ٪) کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

به‌منظور داشتن تصویری اولیه از روابط بین متغیرهای بررسی شده در مدل پژوهش و بررسی زمینه انجام تحلیل‌های بعدی، آماره‌های توصیفی و همبستگی دوبه‌دو میان متغیرها محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش حاضر شامل میانگین و انحراف استاندارد در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴
۱. محبت-طرد	۱			
۲. کنترل-آزادی	۰/۰۸	۱		
۳. احساس تنهایی	۰/۵۰**	۰/۲۰**	۱	
۴. تاب آوری	-۰/۴۲**	-۰/۲۴**	-۰/۵۱**	۱
میانگین	۸۳/۶۶	۱۲۵/۲۴	۴۱/۷۸	۴۷/۷۱
انحراف معیار	۲۴/۵۸	۳۳/۵۸	۱۵/۷۱	۲۵/۳۵
کجی	-۰/۶۳	-۰/۵۴	۰/۷۳	-۰/۰۳
کشیدگی	-۱/۰۴	-۰/۶۴	-۰/۹۱	-۱/۲۲

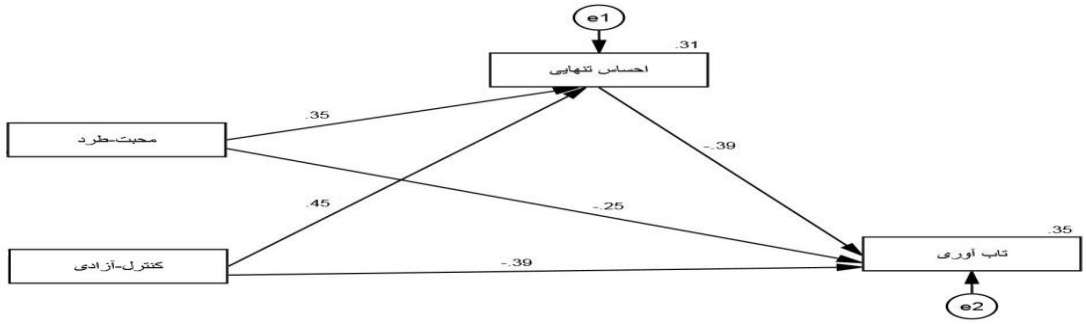
**P<۰/۰۰۱

با توجه به نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۱، بین سبک‌های فرزندپروری با احساس تنهایی رابطه مثبت و معنادار و با تاب آوری رابطه منفی و معنادار در جوانان در غربت ایرانی داشت (P<۰/۰۵).

در پژوهش حاضر جهت بررسی برازش رابطه از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پیش از کاربرد این روش، بررسی پیش‌فرض‌های این رویکرد آماری ضروری است. بنابر پیشنهاد کلاین[1] (۲۰۲۳) مفروضه‌های بهنجاری تک متغیری به کمک برآورد مقادیر کجی و کشیدگی آزمون و تأیید شدند. با توجه به اینکه دامنه کجی و کشیدگی متغیرها در بازه ۲± قرار داشت، نرمال بودن تک متغیری مورد تایید قرار گرفت. جهت بررسی نرمال بودن چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا[2] و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابر پیشنهاد بلانچ[3] (۲۰۱۲)، مقادیر کوچکتر از ۵ برای نسبت بحرانی به‌عنوان عدم تخطی از نرمال بودن چند متغیره در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش ضریب مردیا ۲/۱۲ و نسبت بحرانی ۱/۹۸ به دست آمده که کمتر از عدد ۵ می‌باشد. بنابراین فرض نرمال بودن چند متغیری برقرار است. جهت بررسی عدم وجود داده‌های پرت چند متغیری، شاخص فاصله ماهالانوبیس[4]، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از ۰/۰۵ حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت موردنظر است. براساس این شاخص، داده پرت شناسایی نشد. همچنین مفروضه عدم همخطی چندگانه با شاخص‌های تحمل[5] و عامل تورم واریانس[6] ارزیابی شد. در این تحلیل در هیچ یک از مقادیر آماره‌های تحمل و عامل تورم واریانس محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش، انحرافی از مفروضه همخطی چندگانه مشاهده نشد. بنابراین بررسی پیش فرض‌های آماری نشان داد که روش تحلیل مسیر، روش مناسبی برای ارزیابی برازش مدل است. در شکل ۱ مدل پژوهش همراه با ضرایب مستقیم مسیرها نشان داده شده است.

3. Kline
4. Mardia standardized kurtosis coefficient
5. Blunch
6. Mahalanobis d-squared method
1. Tolerance
2. VIF

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]



شکل ۱: مدل پژوهش همراه با ضرایب مستقیم

در این مدل متغیر سبک‌های فرزندپروری نقش متغیر برون‌زا (مستقل)، متغیر احساس تنهایی نقش متغیر میانجی و متغیر تاب آوری نیز نقش متغیر درون‌زا (وابسته) را دارد.

جدول ۲ نیز ضرایب استاندارد مسیرها را نشان می‌دهد.

جدول۲. ضرایب مستقیم مسیرهای مدل پژوهش

مسیر	ضرایب استاندارد	خطای معیار	مقدار t	سطح معناداری
احساس تنهایی ---> تاب آوری	-۰/۳۹	۰/۰۹	-۵/۰۲	<۰/۰۰۱
محبت-طرد ---> تاب آوری	-۰/۲۵	۰/۰۱	-۲/۶۵	۰/۰۰۸
کنترل-آزادی ---> تاب آوری	-۰/۳۹	۰/۰۹	-۴/۷۲	<۰/۰۰۱
محبت-طرد ---> احساس تنهایی	۰/۳۵	۰/۰۷	۴/۱۰	<۰/۰۰۱
کنترل-آزادی ---> احساس تنهایی	۰/۴۴	۰/۱۱	۶/۵۹	<۰/۰۰۱

جدول ۲ نشان می‌دهد، سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد (P=۰/۰۰۸)، کنترل-آزادی (P<۰/۰۰۱) و احساس تنهایی (P<۰/۰۰۱) بر تاب آوری جوانان ایرانی اثر منفی و معناداری داشت. هم‌چنین سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد، کنترل-آزادی بر احساس تنهایی جوانان ایرانی اثر مثبت و معناداری داشت (P<۰/۰۰۱).

جدول۳. ضرایب غیر مستقیم مسیرهای مدل پژوهش

متغیر	مقادیر اثر غیرمستقیم	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
محبت-طرد به تاب آوری از طریق احساس تنهایی	-۰/۱۳	-۰/۲۱	-۰/۰۹	<۰/۰۰۱
کنترل-آزادی به تاب آوری از طریق احساس تنهایی	-۰/۱۷	-۰/۲۶	-۰/۱۵	<۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، با ورود متغیر احساس تنهایی به مدل به ترتیب اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد و کنترل-آزادی بر تاب آوری به صورت منفی معنادار شده است (P<۰/۰۰۱). به عبارتی دیگر احساس تنهایی در رابطه بین سبک‌های سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد و کنترل-آزادی با تاب آوری نقش میانجیگری دارد.

جدول۴. شاخص های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

شاخص برازش	(χ^2/df)	df	GFI	NFI	RMSEA	CFI	IFI	SRMR
دامنه مورد قبول	<۳	-	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸
مقدار مشاهده شده	۱/۲۳	۱	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۰۳	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است. مقدار RMSEA و SRMR کمتر از ۰/۰۸ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب و پذیرفتنی است. هم‌چنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۱/۲۳) بین یک و سه است و میزان شاخص‌های GFI، CFI ، IFI و NFI نیز بزرگتر از ۰/۹ برآورد شده و در محدوده پذیرفتنی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، مدل مذکور مبنای تحلیل‌های بعدی قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و تاب‌آوری با میانجی‌گری احساس تنهایی در بین جوانان در غربت ایرانی انجام شد و نتایج نشان داد مدل پیشنهادی پژوهش از برازش قابل قبولی برخوردار است. به طوری که سبک‌های فرزندپروری محبت-طرد و کنترل-آزادی از طریق احساس تنهایی بر تاب‌آوری جوانان ایرانی اثر غیرمستقیم داشت. این یافته با نتایج پانت (۲۰۲۳) و کویی و همکاران (۲۰۲۲)، جعفریان یسار و همکاران (۱۴۰۱) و تقوایی یزدی (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین نتایج حاصل شده می‌توان گفت شیوه فرزندپروری منجر به شکل‌گیری باورهای خاصی در کودکان در مورد خودشان، دیگران و آینده می‌شود و این باورها مبنای عملکرد کودک در زندگی می‌شوند (جعفری یسار و همکاران، ۱۴۰۱). به طوری که والدین کنترل کننده و بدون محبت معمولا نسبت به تلاش‌های کودکان و حمایت و توجه به آن‌ها بی‌تفاوتند و به ندرت از تقویت مثبت استفاده می‌کنند. این والدین، تأیید، همدلی و همدردی اندکی را نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند و شواهد اندکی مبنی بر روابط قوی میان مادر و فرزند وجود دارد. لذا نوجوانان دارای این والدین، افرادی خشمگین، منزوی، تنها، غمگین و آسیب‌پذیر نسبت به فشار و استرس هستند و نمی‌توانند در برابر چالش‌های زندگی مقابله و تاب‌آوری مناسبی نشان دهند (پانت، ۲۰۲۳). ولی در خانواده های آزادگذار همراه با مهرورزی و محبت در حد متوسط، به‌جای محدودیت و نظارت شدید، اختیار و آزادی فراوان برای کودک قائل می‌شوند. کودکان این والدین از اتکا به خود، خودداری می‌کنند و هنگام مواجهه با ناملایمات، تمایل به واپس‌روی دارند. کودکان متعلق به این نوع تعامل، از عشق و احترام کافی والدین برخوردار نیستند. از این‌رو، نیاز کودک به محبت و امنیت مورد تهدید قرار گرفته و منجر به احساس بی‌پناهی و تنهایی در او می‌شود (کویی و همکاران، ۲۰۲۲).

در عین حال، والدینی که از شیوه فرزندپروری بامحبت همراه با کنترل مناسب استفاده می‌کنند، واقعیت‌ها را به کودکان خود منتقل می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک خود در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و به منظور توافق با کودک با او گفت‌وگو می‌کنند، از رفتارهای نامطلوب کودک نمی‌ترسند و تاب مقاومت در برابر عصبانیت کودک را دارند. والدین مقتدر به تلاش‌های کودکان در جهت جلب حمایت و توجه نیز پاسخ می‌دهند و در ابراز محبت و علاقه و مهربانی دریغ نمی‌ورزند. این نوع والدین به میزان زیادی امنیت و محبت فرزندشان را تأمین می‌کنند، او را آنچنان که هست می‌پذیرند و کودکان این والدین مسئولیت‌پذیرتر هستند و در برابر چالش‌های زندگی، تلاش های مناسبی دارند و می‌توانند به خوبی تصمیم گیری کنند. این کودکان، فعال، دارای اعتمادبه‌نفس، استقلال رأی، واقع‌گرا، باکفایت و خشنود می‌باشند و به خاطر عشق و محبتی که از والدین دریافت کرده‌اند، روابط خوبی با دیگران دارند و کمتر احساس تنهایی می‌کنند (تقوایی یزدی، ۱۳۹۹).

در واقع ماهیت و کیفیت رابطه والد و فرزند و شیوه‌های فرزندپروری در دوران کودکی بر توانایی برقرار ساختن روابط صمیمانه و دوستانه با دیگران تأثیر می‌گذارد و نوجوانان دارای والدینی با سبک فرزندپروری مناسب تمایل به شکل‌دهی روابط نزدیک و صمیمانه با دیگران و اطرافیان دارند و بنابراین به دلیل وجود روابط نزدیک و صمیمی با دیگران و اطرافیان خود کمتر احساس تنهایی می‌کنند، اما نوجوانان دارای والدینی با سبک فرزندپروری نامناسب و آسیب‌زا به دلیل نگرش منفی نسبت به خود و دیگران، سطح پایینی از اعتماد به نفس و گشودگی که در مورد خود دارند، معمولا قادر به ایجاد تعادل در برقراری روابط اجتماعی و عاشقانه خود و نزدیکی با دیگران نیستند و احساس تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند. در نتیجه نوجوانانی که تنها بوده و مهارت‌های اجتماعی خوبی ندارند به جای تسکین و حل مشکلات اصلی خود، رفتارهای آسیب‌زای بیشتری را انجام می‌دهند و مقاومت خود را در شرایط چالش‌برانگیز از دست می‌دهند.

در کل نتایج این پژوهش اهمیت رفتارهای فرزندپروری نامناسب والدین را در شکل‌گیری یا افزایش احساس تنهایی و در نهایت تاب‌آوری پایین جوانان ایرانی در غربت نشان داد، زیرا سبک های فرزندپروری، باعث ارتباط با دیگران به شکل ناسازگارانه می‌شوند و جوانان را از دوستان، اطرافیان و جامعه دور می‌کنند، تا جایی که فرد احساس تنهایی عمیقی را تجربه می‌کند. در واقع احساس تنهایی را می‌توان نتیجه نقص در روابط نزدیک و عدم یکپارچگی و انسجام اجتماعی دانست که با میزان کیفیت روابط اولیه ارتباط مستقیمی دارد و در کودکان دارای والدین طردکننده، بیشتر و در کودکان دارای والدین با محبت و مقتدر، کمتر دیده می‌شود. در حالی که احساس تنهایی یک بیماری روانی نیست اما می‌تواند به دلیل ایجاد احساسات منفی از برآورده نشدن نیازهای فرد برای ارتباط اجتماعی، بر تاب‌آوری فرد تاثیر بگذارد. به طوری که احساس تنهایی باعث می‌شود، جوان احساس بسیار قوی از عدم صمیمیت و انزوا را تجربه کند که این احساسات تهدیدی برای تاب آوری او به شمار می‌روند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

انجام این پژوهش همانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و عدم استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود و نقش تعدیل‌کنندگی عوامل جمعیت‌شناختی در نظر گرفته نشده است که این نیز یکی از محدودیت‌های پژوهش می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود و نقش تعدیل‌کنندگی عوامل جمعیت‌شناختی در نظر گرفته شود. همچنین با توجه به اهمیت روابط دوران کودکی و سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری احساس تنهایی در بزرگسالی و احتمال ابتلا به اختلالات روانی در شرایط تنش‌زا، پیشنهاد می‌شود در عرصه روان‌درمانی نوجوانان و جوانان مهاجر، این عوامل بررسی و به آن‌ها توجه بیشتری شود. در نهایت پیشنهاد می شود از درمان‌هایی که اثر مثبت بر روی کاهش احساس تنهایی دارند برای افزایش سلامت روان و تاب آوری در نوجوانان و جوانان مهاجر دارای مشکلات روانشناختی استفاده شود زیرا با این روش‌ها می‌توان به طور همزمان افکار ناکارآمد و خودانتقادی‌های منفی را کاهش و احساس ارزشمندی و روابط اجتماعی سالم را افزایش داده و احساس تنهایی را در این افراد از بین ببرند.

منابع

پیش‌قدم، ر.، و ابراهیمی، ش. (۱۴۰۱). معرفی سبک‌های فرزندپروری براساس دل‌نگرانی والدین: مطالعه زباهنگی. *خانواده پژوهی*، ۱۸ (۷۲)، ۷۱۴-۶۹۵. https://doi.org/10.48308/JFR.18.4.695

تقوایی یزدی، م. (۱۳۹۹). رابطه شیوه های فرزندپروری با احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود والدین-دانش آموزان. *مهارت‌های روانشناسی تربیتی*، ۱۱ (۴)، ۵۴-۳۸. https://civilica.com/doc/1664739

جعفریان یسار، ح.، یوسفی، ه.، یوسفی، ه.، و مظفری، ک. (۱۴۰۱). *رابطه سبک فرزندپروری با احساس تنهایی دختران (مورد مطالعه: دختران دوره اول متوسطه مدرسه فرزانگان ساوه)*. هفتمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و حقوق کودک در جهان اسلام، تهران. https://civilica.com/doc/1674582

زاهدی، ع.، و سلیمانی، ن. (۱۴۰۲). خوانشی تحلیلی- توصیفی بر دلایل مهاجرت و تاثیر آن بر افزایش جرم؛ مطالعه موردی مهاجرت به آمریکا. *پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی*، ۲ (۳)، ۳۹-۵۰. https://doi.org/10.22034/api.2023.705937

محمدی، م. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*. رساله دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

Abeyta, AA., Routledge, C., Kaslon, S. (2020). Combating loneliness with nostalgia: Nostalgic feelings attenuate negative thoughts and motivations associated with loneliness. *Frontiers in Psychology*, 23 (11), 1219. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.01219

Bella-Awusah, T., & Onaga, A. (2023). Improving Resilience in Youth During Difficult Times. *International Journal of School Health*, 10 (2), 1-5. https://doi.org/10.30476/intjsh.2023.98443.1300

Blunch, N. (2012). Introduction to structural equation modeling using IBM SPSS statistics and AMOS. Sage.

Chin, W.W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), 295-336.

Connor, KM., Davidson, JRT. (2003). Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depress Anxiety*, 18 (2), 76-82. https://doi.org/10.1002/da.10113

Gurieva, S., Koiv, K., & Tararukhina, O. (2020). Migration and Adaptation as Indicators of Social Mobility Migrants. *Behavioral Sciences*, 10(1), 2-12. https://doi.org/10.3390/bs10010030

Kapadia, D. (2023). Stigma, mental illness & ethnicity: time to centre racism and structural stigma. *Sociology of Health & Illness*, 45(4), 855–871. https://doi.org/10.1111/1467-9566.13615

Kline, R. (2023). *Data preparation and psychometrics review*. Principles and practice of structural equation modeling (4th ed., pp. 64-96). New York, NY: Guilford.

Morales, C., Brieger, S.A., De Clercq, D. & Martin, F.J. (2022). Explaining differences in entrepreneurial activity between immigrants and natives: moderating roles of economic, sociocultural and institutional factors. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, 28 (3), 135-151. http://dx.doi.org/10.1108/IJEBR-06-2021-0465

Pant, A. (2023). The Relationship Between Perceived Parenting Style and Resilience in College Students. *The International Journal of Indian Psychology*, 11 (1), 605-613.

Penninx, R. (2019). Problems of and solutions for the study of immigrant integration. *Comparative Migration Studies*, 7(1), 1-11. https://doi.org/10.1186/s40878-019-0122-x

Phua, D. Y., Kee, M. Z., & Meaney, M. J. (2020). Positive maternal mental health, parenting, and child development. *Biological Psychiatry*, 87(4), 328-337. https://doi.org/10.1016/j.biopsych.2019.09.028

Qiu, Z., Guo, Y., Wang, J., Zhang, H. (2022). Associations of Parenting Style and Resilience with Depression and Anxiety Symptoms in Chinese Middle School Students. *Frontiers in Psychology*, 13, 1-9. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.897339

Schaefer, E. S. (1965). A configurational analysis of children' s reports of parent behavior. *Journal of Consulting Psychology*, 29 (6), 552 - 557.

Wang, Y., Shi, H., Wang, Y., Zhang, X., Wang, J., Sun, Y. (2021). The association of different parenting styles among depressed parents and their offspring's depression and anxiety: a cross-sectional study. *BMC Psychiatry*, 21(3), 495-512. https://doi.org/10.1186/s12888-021-03512-8

Zhang X, Dong S. (2022). The relationships between social support and loneliness: A meta-analysis and review. *Acta Psychologica*, 227, 103616. https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2022.103616.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]